

نگاهی نو به ساخت نمود و زمان^۱ فعل در زبان دوم: انگاره جابجایی معنایی نمودی^۲

نیوشا احمدی*

مربی، گروه ادبیات انگلیسی، دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال،
تهران، ایران

الکس هاوزن**

استاد گروه زبان‌شناسی، دانشگاه بروکسل،
برکسل، بلژیک

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۱، تاریخ تصویب: ۹۶/۰۳/۱۳، تاریخ چاپ: مرداد ۱۳۹۶)

چکیده

مقاله حاضر به گزارش پژوهشی می‌پردازد که در چارچوب انگاره نمود (اندرسن و شیرای ۱۹۹۶؛ باردووی-هارلیگ ۲۰۰۰؛ سالابری و هاوزن ۲۰۱۳) سامان یافته است. انگاره‌ای که کاربری و یادگیری ساخت زمان-نمود فعل‌ها را در حین فراگیری زبان دوم، تابع معنای سرشتی نمود واژگانی بُن‌واژه‌های فعل می‌داند. عامل مهم دیگری که در کاربری و فراگیری ساخت زمان-نمود فعل‌ها در زبان دوم مؤثر است عبارت است از جابجایی بار معنایی واژگان در زبان اول زبان‌آموز به بُن‌واژه‌های فعل در زبان دوم. انگاره انتقال معنایی نمودی، تأکید دارد که فراگیران زبان دوم، تحت تأثیر معنای نمودی گزاره‌های فعلی در زبان اول خود به فراگیری زبان دوم می‌پردازند. در این پژوهش نشان داده‌ایم که بر پایه انگاره انتقال معنایی نمودی، نمود سرشتی برخی فعل‌ها، بسته به اینکه زبان اول زبان‌آموز و تحلیلگر چه باشد، در بررسی‌های گوناگون، متفاوت طبقه‌بندی شده‌اند. سپس با مقایسه دو شیوه شناسه‌گذاری نمود سرشتی فعل‌ها در داده‌های نوشتاری و گفتاری زبان‌آموزان به بررسی اعتبار پیش‌بینی‌های انگاره نمود پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: خواندن درک مطلب، راهبردهای خواندن، نگرش، زبان دوم.

1. aspect-tense
 2. The Aspectual Semantic Transfer Hypothesis (ASTH)
- * Email: n_ahmadi@iau-tnb.ac.ir
** Email: ahousen@vub.ac.be

مقدمه

وندلر (۱۹۷۶) نمود سرشتی فعل‌ها را با نگرستن به سه ویژگی پویا و پایان‌پذیری و آنی‌بودن به چهار گروه فعل‌های حالتی، فعالیتی، تکمیلی و توفیقی تقسیم می‌کند (جدول ۱). سیری از پژوهش‌های گسترده انجام‌شده در هر دو گستره فراگیری زبان اول و زبان دوم، و همین‌طور زبان پیچین^۱ و کریول^۲، گویای این مدعایند که ساخت فعل‌ها در درجه اول به گروه‌های نمودی سرشتی محدود می‌شوند (بلوم و دیگران ۱۹۸۰، توماسلو ۱۹۹۲ برای فراگیری زبان اول؛ باردووی-هارلیگ ۱۹۹۲، باردووی-هارلیگ و رینولدز ۱۹۹۵، رابینسون ۱۹۹۵، باردووی-هارلیگ و برگ‌استورم ۱۹۹۶ برای فراگیری زبان دوم؛ بیکرتون ۱۹۸۱، برای زبان‌های کریول). این پژوهش‌ها به دنبال این هستند که دریابند آیا نمود سرشتی گزاره‌های فعلی، بر شیوه فراگیری ساخت فعل در زبان‌آموزان کارا است، و آیا گرایش معنایی جهانشمول، به همان گونه که انگاره نمود سرشتی پیش‌بینی می‌کند (اندرسون ۱۹۸۶، ۱۹۹۱) در باره زبان‌آموزان گوناگون کارا است.

جدول (۱) گروه‌های گوناگون نمود سرشتی فعل‌های (اندرسون ۱۹۹۱)

مثال	آنی بودن ^۵	پایان‌پذیری ^۴	پویا ^۳	حالتی ^۶
دانستن، خواستن، متنفر بودن	-	-	-	حالتی ^۶
فکر کردن، خندیدن، دوبدن	-	-	+	فعالیتی ^۷
آماده کردن، بزرگ شدن	-	+	+	تکمیلی ^۸
شروع کردن، انداختن، شلیک کردن	+	+	+	توفیقی ^۹

1. pidgin
2. Creole
3. Dynamicity
4. Telicity
5. punctuality
6. State (STA)
7. Activity (ACT)
8. Accomplishment (ACC)
9. Achievements (ACH)

به کوتاهی می‌توان گفت که الگوی نمودی^۱، پیدایش ساخت فعلی و کاربست آن را در روند اولیه، متأثر از نمود سرشتی گزاره‌های فعلی می‌داند. شیرای و اندرسن (۱۹۹۵، ۱۹۹۶) به انگاره پیشین پیوستی این گونه افزودند که زبان‌آموزان از داده‌های زبانی که به‌سوی آنان هدایت می‌شود، از هر تصریف، نخست معنای پیش‌نمونی^۲ آن را درمی‌یابند، و آن تصریف پیش‌نمونی‌ترین دسته معنایی فعل‌ها را تداعی می‌کند؛ به عبارت دیگر با فراگیری ساخت فعل، زبان‌آموز نخست با پیش‌نمون‌های معنایی جهانشمول که در گزاره‌های فعلی مندرج است، هدایت می‌شود. انگاره نمود سرشتی را می‌توان به خواسته‌های جزئی‌تری پیرامون چگونگی توزیع زمان و نمود ساخت فعل در خلال نموّ زبان میانی جداسازی کرد (باردووی-هارلینگ، ۱۹۹۹:۳۵۹، اندرسون و شیرای ۱۹۹۶:۵۳۳). درباره فراگیری زبان انگلیسی، این انگاره بر سه گونه ساخت فعل، یعنی گذشته (باقاعده و بی‌قاعده)، سوم شخص مفرد در زمان حال (S-) و تکواژاستمراری (-ING) سه پیش‌بینی در خود نهفته دارد. در روند آغازین نموّ زبان میانی، زبان‌آموزان بیشتر تکواژ فعلی گذشته را فارغ از اینکه زمان فعل مقصد چه اقتضایی داشته باشد با فعل‌های توفیقی به کار می‌برند. با نموّ زبان، به‌کارگیری ساخت زمان گذشته به فعل‌های تکمیلی و سپس به فعل‌های فعالیتی و حالتی گسترش پیدا می‌کند. در زمینه تکواژ سوم شخص مفرد در زمان حال (S-) انگاره نمود سرشتی خواستار آن است که این تکواژ در سرآغاز با فعل‌های حالتی همراه می‌شود و با نموّ زبان میانی در زبان‌آموزان به تدریج به فعل‌های فعالیتی و سپس توفیقی گسترش می‌یابد. نشانه استمراری (-ING) نیز در آغاز با فعل‌های فعالیتی و سپس فعل‌های تکمیلی و توفیقی و سرانجام با فعل‌های حالتی همراه می‌شود (جدول ۲).

1. Aspect Model

2. Prototypical (اولین معنایی که به ذهن گویش‌ور بومی متبادر می‌شود م.)

جدول (۲) پیش‌بینی انگاره نمود سرشتی در مورد الگوی استفاده از تکواژهای فعلی توسط زبان‌آموزان (برگرفته از هاوزن ۲۰۰۲)

تکواژ استمراری (VING)					تکواژ گذشته (با قاعده و بی قاعده) (VPA)			
سطح فعل	حالی	فعلی	تکمیلی	فعلی	حالی	فعلی	تکمیلی	فعلی
0	V	V	V	V	V	V	V	V
1	V	VING	V	V	V	V	V	V-PA
2	V	VING	VING	V	V	V	V-PA	V-PA
3	V	VING	VING	VING	V	V-PA	V-PA	V-PA
4	VING	VING	VING	VING	V-PA	V-PA	V-PA	V-PA

پیشینه پژوهش

شواهد تجربی برای تایید پیش‌بینی‌های الگوی نمودی در خصوص شیوه تکامل زبان در زبان‌آموزان انگلیسی (همین‌طور زبان‌های دیگر، از جمله فرانسوی، اسپانیولی، سوئدی و ژاپنی)، به عنوان زبان دوم، برخاسته از گستره وسیعی از پژوهش‌هایی است که در حدود سه دهه انجام شده است (باردوی هارلیگ ۲۰۰۰، هاوزن ۲۰۰۲، روکا ۲۰۰۷، ولف و همکاران ۲۰۰۹). شمار زیادی از این پژوهشی نتیجه می‌گیرند که صرف نظر از تفاوت‌های موجود در رویکرد پژوهش، در مجموع شواهد «در حد وسیعی» انگاره نمود را تایید می‌کنند (باردوی هارلیگ ۱۹۹۹:۳۶۲ و اندرسون و شیرایی ۱۹۹۶:۵۵۹). با این حال محققان دیگری (از جمله هاوزن ۲۰۰۲، هاکینگز و لیسکا ۲۰۰۳، لایو ۲۰۰۵، ژائوو مک وینی ۲۰۱۰، مک منوس ۲۰۱۳)، نتیجه‌گیری فوق را تاحدی شتابزده می‌شمارند و بر این باورند که «تصویری که از آزمون‌های انگاره نمود به دست داده می‌شود، آن‌طور که انتظار می‌رود شفاف نیست» (ژائوو مک وینی ۲۰۱۰:۵۰۵). بعلاوه، اثر انگاشته نمود واژگانی سرشتی جهان‌شمول فعل‌ها، می‌تواند تحت تأثیر عوامل دیگری از جمله سطح مهارت زبان‌آموز، متغیرهای آموزشی، کارکردهای گفتمانی و تفاوت‌های بین‌زبانی میان زبان اول و دوم زبان‌آموز باشد (ایون و سالابری ۲۰۰۵، شیرایی ۲۰۰۴). از میان بررسی‌های فراوان که در پژوهش‌های گوناگون برای سنجش اعتبار انگاره نمود

سرشتی ارائه شده است، همچنان تفاوت نظر زیادی پیرامون اثر نمود سرشتی بر فراگیری ساخت فعل، هم در سطح توصیف و هم در سطح تبیین وجود دارد که به اجمال به آن‌ها خواهیم پرداخت. آنچه در این گستره بر پژوهشگران آشکار شده، این است که رابطه ساده صورت - معنا تنها بخشی از تصویر بزرگ‌تری است که خود به گزینه‌های دیگری مشروط است؛ سازه‌هایی که از میان آن‌ها می‌توان به جابجایی از زبان اول، گونه داده‌های دریافتی، شکل‌گیری پیش‌نمون‌ها، کارکردهای سخن و گونه آموزش به‌عنوان نمونه اشاره کرد (سالابری و شیرای ۲۰۰۲). افزون بر سازه‌های مربوط به تأثیر و تأثر زبان‌آموز که پیش‌تر به آن اشاره شد، تفاوتاتی در رویکرد پژوهش‌های انجام‌شده در انگاره نمود سرشتی وجود دارد که ممکن است بر نتیجه‌های برآمده از پژوهش اثر بگذارد (باردووی - هارلیگ ۲۰۰۰؛ شیرای ۲۰۰۴؛ آیون و سالابری ۲۰۰۵). گرچه مرحله نمودی تحت بررسی، روش گردآوری داده‌ها، نظام طبقه‌بندی نمود سرشتی، تفاوت‌های بین‌زبانی روش بررسی، بررسی نمونه یا گونه و گزینش گونه شناسه‌گذاری همگی بر نتیجه پژوهش‌ها اثر گذارند ولی شاید نتوان برای هیچ‌کدام از حیث تأثیر، برتری نسبی افزون‌تری در نظر گرفت. این پژوهش بر جابجایی معنای سرشتی بن‌واژ فعل از زبان اول زبان‌آموز به زبان دوم متمرکز شده است. ما بر این باوریم که این عامل بر چگونگی طبقه‌بندی فعل‌ها بر پایه نمود معنایی سرشتی و پسامد آن، بر شمار نمونه‌های فعل که در بررسی آماری مورد استفاده واقع می‌شود، تأثیر بسزایی دارد و باید در نظر گرفته شود.

بدون شک بغرنج‌ترین مسئله روش‌شناسی در این میان، عبارت است از تعریف و عملیاتی کردن نمود سرشتی، و همچنین تعیین تجربی آن در داده‌های ناب‌گفتاری، برون از نشانه‌های ساختی [صرفی] فعل‌ها، و جدای از شمّ زبانی خود محققان. با این حال همواره جداسازی روشن و قطعی میان برگشتن به درون^۱ (یا حس) و برگشتن به برون^۲ (یا ارجاع) گزاره‌ها ممکن نیست. روشن نیست که آیا داده‌های بافتاری باید در تعیین نمود واژگانی دخالت داده شوند یا نه. برای مثال فعل جمله "پتیر دروازه را بست" را می‌توان هم تکمیلی استمراری دانست، و هم توفیقی آنی. بسته به این است که ویژگی‌های فیزیکی (وزن و اندازه) دروازه و پتیر چگونه باشند. در بسیاری از این دست، تعیین نمود واژگانی سرشتی بدون در نظر داشتن داده‌های فرا-زبانی یعنی بدون نگرستن به ویژگی‌های مندرج در موقعیت‌های دنیای واقع، ناممکن

1. Intensin

2. Extension

به نظر می‌رسد. این مسئله را شیرای (۱۹۹۱:۷۰) و شیرای و اندرسن (۱۹۹۵:۷۵۰)، پس از بررسی مورد مشابه "جعبه را باز کن"، تصدیق می‌کنند. با وجود این محققان گونه‌هایی از این دست را، بیش از آنکه قاعده باشند، استثنا می‌دانند. بنابراین بیشتر گزاره‌ها را می‌توان بنابر نمود سرشتی آن‌ها و بدون نگرستن به داده‌های بافتاری و تنها با کمک یک سری آزمون‌های عملیاتی - که در معناشناسی عرفی (برای مثال دووتی ۱۹۹۷) به کار می‌رود، دسته‌بندی کرد. تاکید ما بر این است که این آزمون‌ها هم که بر اعتبار قاعده‌های دستوری یا معناشناختی (یا هردو) تکیه دارند، خالی از اشکال نیستند؛ به‌ویژه هنگامی که بخواهند درباره داده‌های زبان میانی به کار روند. دست‌کم تجربه ما نشان می‌دهد که این آزمون‌ها بارها از تخصیص بدون ابهام گزاره‌ها به طبقه ویژه نمود سرشتی باز می‌مانند. این مشکل تا حدی نتیجه عدم توافق بر سر محدوده نمود سرشتی است - به همان گونه که پیش‌تر بدان اشاره شد - یعنی نمود سرشتی درون - عطف بن‌واژ فعل، در برابر بازگشت به ویژگی‌های گنجانده شده در موقعیت‌های دنیای واقع.

باید گفت شناسه‌گذاری نمودهای سرشتی گزاره‌های فعلی، از هر سو، دشوارترین و چالش برانگیزترین گام در پژوهش‌های گسترده و وابسته به انگاره نمود سرشتی است. مهم‌ترین موضوع در شناسه‌گذاری، تصمیم بر سر آن است که شناسه‌ها ناظر بر چه وجهی از فعل‌ها باید تخصیص یابند. ما در واقع بر سر یک دوراهی قرار گرفته‌ایم: از یک سو می‌توان بر معنای سرشتی درون-عطف فعل متمرکز شد، و مانند انگاره پیش‌نمونی (شیرای و اندرسن ۱۹۹۵) برای هر گزاره فعلی «معنایی پیش‌نمونی» پنداشت و یا این که می‌توان معنای به دست آمده از همان گزاره فعلی را به همان گونه که زبان‌آموز در زبان اول دریافت می‌کند در نظر گرفت.

بیشتر اشاره شد که در تلاش برای حل مسائل دشوار در طبقه‌بندی فعل‌ها به گروه‌های گوناگون در زمینه نمود سرشتی، و برای دقیق‌تر نمودن فرایند شناسه‌گذاری، محققان آزمون‌های عملیاتی گوناگونی را به کار گرفته‌اند (رایل ۱۹۴۹؛ کنی ۱۹۶۳؛ دووتی ۱۹۷۹؛ مولاتوس ۱۹۸۱؛ لاکوف ۱۹۶۵؛ اندرسن ۱۹۹۱؛ و شیرای ۱۹۹۱). این آزمون‌ها بیشتر استوار بر بهینگی معنایی بوده و به نظر می‌آید پاره‌ای از پژوهندگان آن‌ها را در باره زبان میانی هم کارا دانسته‌اند. گرچه این آزمون‌ها را دارای اعتبار بین‌زبانی دانسته‌اند، اما بیشتر از چنین ارزشی برخوردار نیستند، به عنوان مثال، آزمون پیشنهادی برای جداسازی حالتی از غیرحالتی این

است: «آیا گزاره در زمان حال ساده بیان‌کننده موقعیتی است که در همین لحظه گفتن صادق است (به‌جای اینکه به یک موقعیت همیشگی اشاره داشته باشد)؟» اگر پاسخ اری است، آنگاه فعل حالتی است، و اگر نه، فعالیت خواهد بود. نتیجه‌هایی که از کاربست این آزمون بر روی شماری از گزاره‌ها به دست آمد نشان می‌دهد که این آزمون‌ها با تعریف توصیفی حالتی و فعالیتی و همین‌طور برای شناخت نمود معنایی سرشتی در زبان فارسی وافی به مقصود نیستند. برای نمونه کاربست آزمون بالا برای فعل «ایستادن» (stand) این است: «I stand in corner now» که برای گویشور بومی انگلیسی، غیرعادی به نظر می‌آید اما «I'm standing in the corner now» طبیعی‌تر است. با این وصف، فعل ایستادن [برای انگلیسی‌زبان] یک فعل فعالیتی است، درحالی‌که ایستادن هیچ‌گونه پویایی (صرف انرژی یا تلاش) ندارد. وانگهی، به کار بستن این آزمون از دو نگاه متفاوت، یعنی برای گویشور بومی انگلیسی، و غیر انگلیسی (فارسی‌زبان) به دو تفسیر کاملاً متفاوت می‌انجامد. جمله «من اکنون وانمود می‌کنم دکتر هستم» (I now pretend to be a doctor) هم برای گویشور بومی انگلیسی، و هم برای فارسی‌زبان برای اشاره به موقعیتی در این لحظه «اکنون» پذیرفتنی می‌نماید. این پذیرفتنی بودن آشکار می‌کند که «وانمود کردن» (=pretend) برابر آزمون، باید فعل حالت باشد. اما برای کسی که زبان اول او فارسی است، این فعل آشکارا یک فعل فعالیتی است، به دلیل اینکه پیوست فعلی «کردن» در «وانمود کردن» به لحاظ معنایی القای حرکت و پویایی می‌کند. برای اینکه نشان دهیم یافته‌های این آزمون تشخیصی در ادراک معنایی گویشور فارسی از نمود سرشتی معنایی گزاره‌های فعلی انگلیسی، همواره صادق نیست، یک نمونه دیگر را مثال می‌زنیم. فعل «منتظر بودن» (wait) از دیدگاه آزمون‌های عملیاتی این فعل فعالیتی است، درحالی‌که در زبان فارسی «منتظر بودن» حالتی است. به دلیل اینکه پیوست فعلی «بودن» یک نشانگر حالتی است و مفهوم «در حالت انتظار بودن» را برای فارسی‌زبان یادآوری می‌کند.

انگاره جابجایی معنایی نمودی

مشاهده اینکه طبقه‌بندی‌های گزاره‌های فعلی برپایه آزمون‌های تشخیصی می‌تواند نتیجه‌های گوناگونی برای کاربران با زبان مادری متفاوت داشته باشد ما را بر آن داشت تا انگاره تازه‌ای را صورت بندی کنیم: انگاره جابجایی معنایی نمودی. گمانه ما این است که در مواجهه با فعل‌های انگلیسی بنا بر دریافت معنایی، وضعیت یادگیرندگان زبان دوم، و پژوهشگرانی که گویشور بومی انگلیسی نیستند، یکسان است. به‌عبارت‌دیگر، یادگیرنده زبان دوم معنای

واژگانی زبان اول خودش را بر بنواژ فعل زبان دوم تحمیل می‌کند. توضیح این نکته را که زبان‌آموزان و پژوهشگران فارسی‌زبان، بنواژها و گزاره‌های فعلی زبان دوم را در مقایسه با گویشور بومی آن زبان به شکل گوناگونی مفهوم‌سازی می‌کنند، شاید بتوان در مباحث جابجایی و تأثیر بین‌زبانی سراغ گرفت، به‌ویژه آن گونه از جابجایی مفهومی که اسلوبین مطرح کرده است. اسلوبین (۱۹۹۷، ۱۹۹۱) استدلال می‌کند که آن گفتارهای دستوری که بیش از همه پذیرنده اثرپذیری از زبان اولند، آن‌هایی نیستند که ریشه در گفتارهای جهان‌شمول شناخت و دریافت دارند، بلکه بیشتر از نوع گفتارهای ویژه‌زبانی‌اند که شکل‌دهنده در زبان اولند. وی به شکلی خاص از بین گفتارهای دستوری ویژه‌زبانی، بر زمان و نمود فعل تأکید دارد. به باور اسلوبین سرشت شخص سخن‌گو در مسیر فراگیری زبان اول، در وضع خاصی از اندیشه برای سخن گفتن تنظیم شده است که بازتنظیم آن برای عمل در زبان دوم بسیار دشوار است.

اسلوبین (۱۹۹۷) تأکید دارد که این مغایرت (بین زبان اول و دوم) در سطحی دست‌ورزبانی شده رخ می‌دهد - و این گفته در موارد زیادی درست است. وی با ارایه شاهدهایی بین‌زبانی تأکید می‌کند که رویکرد اندیشه برای تکلم در زبان‌آموزان وابستگی به دستور زبان اول آن‌ها دارد. وی در انگاره جابجایی زبانی خود (اسلوبین ۱۹۹۱)، استدلال می‌کند که آن دسته از گفتارهای دستوری که بیش از همه در معرض اثرپذیری از زبان اول‌اند آن‌هایی نیستند که ریشه در گفتارهای زبانی شناخت و دریافت دارند (ازجمله نمود واژگانی)، بلکه بیشتر آن گفتارهای ویژه‌زبانی‌اند که شکل‌دهنده آن وضعی هستند که اسلوبین آن را "حالت اندیشه برای تکلم" در زبان اول می‌نامد (مانند نمود دستوری یادیدگاهی). بنابراین، اسلوبین بر جابجایی نمود دستوری تأکید دارد و باور دارد که این جنبه‌ای ویژه‌زبانی است.

اما ما بر این باوریم که انگاره جابجایی معنایی نمودی به جابجایی مفهومی اودلین (۲۰۰۵) همانندی دارد. اودلین (۲۰۰۵) با تأکید بر نیروی مهارکننده زبان اول در روند فراگیری زبان دوم، بین معنا و جابجایی مفهومی تمایز قائل می‌شود؛ اولی آن وضعی است که از معناشناسی یا کاربردشناسی زبان اول ناشی می‌شود، و دومی مواردی را در بر می‌گیرد که شامل نسبت زبان‌شناسانه است (اثر زبان بر اندیشه در زبان دوم). افزون بر این، اودلین باور دارد که "هر جابجایی مفهومی دربردارنده معنا نیز هم می‌باشد، اما همه جابجایی معناها، دربردارنده جابجایی مفهومی نیستند" (اودلین ۲۰۰۵: ۶). به عبارت دیگر ما بر این باوریم که زبان اول زبان‌آموزان، بر چگونگی دریافت معناهای نمود واژگانی فعل‌هایی که در زبان دوم (انگلیسی) به کار می‌برند، مؤثر است. از یک‌سو با شیرای و نیشی (۲۰۰۲) موافقیم که در روند واژه‌گردی

مفاهیم نمودی در زبان های گوناگون باید به تفاوت های بینا‌زبانی نگاهی ویژه داشت، اما از سوی دیگر باور داریم رویکرد جابجایی معنای نمودی می‌تواند در مسیری متفاوت با رویکرد شناخت مفاهیم نمودی و واژه‌گردی آن‌ها پیش رود. به عبارت دیگر دو فعل متفاوت ممکن است در رویکرد واژه‌گردی در دو زبان گوناگون واجد تفاوت بینا‌زبانی نباشند، اما در عین حال ممکن است در رویکرد اندیشیدن به آن‌ها در زبان اول و دوم تفاوت وجود داشته باشد. برای نمونه رویکرد واژه‌گردی فعل "نشان دادن" (show) در دو زبان فارسی و انگلیسی متفاوت نیست، اما از لحاظ مفهومی این فعل برای یک فارسی‌زبان بیانگر هدف‌داری است اما برای یک انگلیسی‌زبان واجد چنین ویژگی نیست.

بنابراین می‌توانیم ادعا کنیم که یادگیرنده زبان دوم درحالی‌که با معیارهای معناشناختی گزاره‌های زبان اول خود مجهز است، به‌سوی نظام فعل‌ها در زبان دوم، و در نتیجه، فراگیری نظام زمان و نمود زبان دوم پیش می‌رود؛ ادعا می‌کنیم یادگیرندگان زبان دوم معیارهای معناشناختی زبان اول خود را بر برابری ترجمانی زبان دوم تحمیل می‌کنند. همان‌طور که شاختر (۱۹۹۲) می‌گوید، دانش پیشین زبان‌آموز قیود خود را بر انگاره‌ای که او درباره زبان مقصد شکل می‌دهد، تحمیل می‌کند.

برای کاستن از دگرگونی‌ها در شناسه‌گذاری نمود سرشتی، و همین‌طور برای یافتن توان سنجش یافته‌های پژوهش، رامت (۲۰۰۲) دو راهکار پیشنهاد می‌کند که این دو عبارتند از بررسی همراه با جزئیات اثرهای محتمل که یک جنبه از زبان اول ممکن است بر روند پرورش و شکل‌گیری زبان مقصد بگذارد، و دیگر تأکید بر مفهوم پیش‌نمونی به‌مثابه پدیده اصلی‌ای که انگاره نمود سرشتی را اعتبار می‌بخشد. این باور که معنای پیش‌نمونی، اعتباربخش انگاره نمود سرشتی است گزارف‌پنداری است. با این حال اگر گمانه بگیریم (و ثابت کنیم) که زبان‌آموزان - با زبان اول متفاوت - که زبان مقصد مشترکی را می‌آموزند، دست‌کم در مواردی، در تخصیص معنای نمودی سرشتی به فعل‌های زبان مقصد - در اثر جابجایی معنایی نمودی از زبان اول خود - متفاوت عمل می‌کنند، بازهم ممکن است انگاره نمود سرشتی همچنان پایدار باقی بماند. بنابراین همیشه این‌طور نیست که در هدایت زبان‌آموزان در فراگیری ساخت فعل، پیش‌نمون‌های معنایی جهان‌شمول مندرج در گزاره‌های فعلی، نقش مهم‌تری داشته باشند، بلکه معنای تحمیل‌شده از سوی زبان اول بر فعل‌های زبان دوم، می‌تواند این نقش را ایفا کند. اگر انگاره ما هنوز مبهم است، در ادامه با این توضیح منطقی روشن‌تر خواهد شد که در پژوهش‌های گوناگون، بسته به این که زبان اول پژوهشگران و زبان‌آموزان چه

باشد، نتیجه‌های به‌دست‌آمده در تعیین نمود سرشتی برخی گزاره‌های فعلی خاص، همسان نخواهد بود. به‌عنوان نمونه، همین‌که گزاره فعلی «شکست» (break) را رود (۱۹۹۶) فعالیتی، و اندرسن (۲۰۰۲) توفیقی دانسته، یک نمونه از مغایرت‌هایی است که در طبقه‌بندی‌ها در گستره اصطلاحات انگاره نمود سرشتی می‌توان سراغ گرفت (جدول شماره ۲).

گزینه دوم در شناسه‌گذاری گزاره‌های فعلی، عبارت است از کاربست معنای بدست‌آمده همان گزاره در زبان اول زبان‌آموز، به‌همین‌گونه سرنخ‌های بافتاری که هدایتگر زبان‌آموز در دریافت معنای موردنظر او است. این معنا می‌تواند همان معنای پیش‌نمونی گویشور بومی زبان انگلیسی، و یا غیر از آن باشد. روش دوم برای بررسی‌گر تا حدودی پیچیده‌تر و دشوارتر است، زیرا لحاظ داشتن عوامل گوناگون دخیل که در بافتار و یا نظام معنانشناختی زبان اول وجود دارد، دشوار است. باین‌حال این رویکرد در رودروی با طبیعت زبان میانی زبان‌آموز بسی واقع‌بینانه‌تر است. وانگهی، اگر غرض تنها در نظر داشتن معنای پیش‌نمونی فعل به‌مثابه یک ویژگی جهانشمول که میان همه زبان‌ها مشترک است - باشد، پس دیگر سنجش اعتبار انگاره نمود سرشتی در زبان میانی زبان‌آموزانی که زبان اول آن‌ها متفاوت است، به‌چه‌معنا خواهد بود؟ بیشتر یادگیرندگان زبان خارجی به معنای پیش‌نمونی واژگان در زبان مقصد دسترسی ندارند و در عوض راهنمای آن‌ها در دریافت معنا عبارت است از (الف) تفسیر خودشان از معنای فعل زبان دوم، برای مثال تفسیری که از معنای پیش‌نمونی نزدیک‌ترین برابر ترجمانی آن فعل در زبان اول خودشان به دست می‌آید، و (ب) رویکرد کاربست پرسامد و متعارف آن فعل در محیط آموزش زبان دوم (موافق انگاره سوگیری توزیعی) که ممکن است در آن محیط آموزشی مناسب باشد، اما در جامعه گویشور بومی زبان دوم به‌طور دقیق با همین معنای پیش‌نمونی به کار نمی‌رود و اندکی متفاوت است. زبان‌آموزان ایرانی که موضوع این مطالعه اند بیشتر فعل‌های انگلیسی را در بافت‌های خیلی محدود - و گاهی با معنای تحریف‌شده - از مدرسان فارسی زبان می‌شنوند. در واقع پیش‌گمانه ما این است که زبان‌آموزان دریافت معنایی به دست آمده در زبان اول خود را بر واژگان (فعل‌های) زبان دوم تحمیل می‌کنند و همین راهنمای آنان در یادگیری و کاربست ساخت فعل در زبان دوم است به عبارت دیگر، جداسازی طبقه‌های شناسه‌گذاری همیشه به آن سراسستی و روشنی که در اصطلاحات تعریف می‌شود، نیست.

با این بینش زمینه، توصیه می‌شود به‌منظور امکان مقایسه یافته‌های پژوهشی، در مطالعات آتی در گستره انگاره نمودی معنایی، فهرستی جامع از گزاره‌های فعلی به همراه طبقه‌بندی

آن‌ها توسط زبان‌آموزان مبتنی بر منش‌های معنایی نمودی (که ممکن است منطبق بر معنای پیش‌نمونی جهانشمول آن فعل‌ها باشد یا نباشد)، در پیکره پژوهشها قرار داده شود. گمانه‌ها این است، که در پژوهشهایی که در آن‌ها پژوهنده و زبان‌آموزان زبان اول مشترک دارند، میزان کامیابی پژوهنده در انجام طبقه‌بندی‌های گزاره‌های فعلی به همان شکلی که راهنمای زبان‌آموزان در کاربست ساخت‌های فعلی است، بیشتر است. پژوهشگرانی که زبان اول آن‌ها غیر از زبان اول زبان‌آموزان است، باید مراقب دخالت معنای نمودی مورد نظر خودشان از گزاره‌های فعلی، در روند طبقه‌بندی گزاره‌ها از روی داده‌ها باشند.

خلاصه این که، اگرچه گفتارهای معنایی پویش و پایان‌پذیری و آئی‌یودن، می‌توانند جهانشمول باشند اما رویکرد واژه‌گردانی آن‌ها در زبان‌های گوناگون ممکن است ویژه-زبانی باشد. شیرای و نیشی (۲۰۰۲) طرحی همانند را بر پایه بررسی داده‌های گردآوری‌شده از یادگیرندگان زبان ژاپنی که انگلیسی‌زبان بوده‌اند، ارائه داده‌اند. آن‌ها نیز گزارش کردند که شماری از فعل‌ها در زبان ژاپنی و زبان انگلیسی نمودهای سرشتی گوناگونی داشته‌اند. سنجه پاره‌ای از گزارش آن‌ها با معنای سرشتی همان فعل‌ها برای زبان‌آموزان فارسی‌زبان، نمایانگر آن است که نمود سرشتی، مفهومی ویژه-زبانی است، و نه یک منش جهانشمول (جدول شماره ۳).

هم پژوهش ما و هم مطالعات شیرای و نیشی (۲۰۰۲) در گستره ساخت زمان-نمود، از اعتبار انگاره جابجایی معنایی سرشتی به عنوان سازوکار مفروض جهانشمول در فراگیری زبان دوم حمایت می‌کند. بنابراین ادعا می‌کنیم که معتبرترین راه برای بررسی نمود سرشتی فعل در زبان دوم، پیدا کردن معنای مورد نظر زبان‌آموزان است. معنای این سخن آن است که، ناچاریم معنای به دست آمده از برابری ترجمانی زبان اول زبان‌آموزان، و همین‌طور سرنخ‌های بافتاری را به‌منظور شناسه‌گذاری معنا به همان شکلی که زبان‌آموز دریافت می‌کند، مورد نظر قرار دهیم. باید اشکارا گفت که در مقایسه با روش‌هایی که فقط با تکیه بر آزمون‌های عملیاتی صورت می‌گیرد، روش پیشنهادی ما عینیت کمتری دارد و بکارگیری آن پیچیده تر و دشوارتر است، اما در عوض، به باور ما این روش در شناخت طبیعت زبان میانی زبان‌آموزان، واقع‌بینانه‌تر است.

جدول شماره (۳) تفاوت‌های زبانشناسی نمود معنایی سرشتی بین زبان‌های فارسی، انگلیسی و ژاپنی

ژاپنی	انگلیسی	فارسی	بن‌واژ فعل
توفیقی	توفیقی	تکمیلی/توفیقی	Come آمدن
فعالیتی	حالتی	حالتی/فعالیتی	Continue ادامه دادن
توفیقی	فعالیتی	حالتی/توفیقی	Hang آویختن
توفیقی	حالتی	حالتی	Have داشتن
فعالیتی	حالتی	حالتی	Hear شنیدن
توفیقی	حالتی	توفیقی	Indicate مشخص کردن
فعالیتی	حالتی	فعالیتی	Keep نگه داشتن
حالتی/توفیقی	حالتی	حالتی	Know دانستن
توفیقی	حالتی	فعالیتی	Live زندگی کردن
توفیقی	فعالیتی	حالتی	ایستادن، نشستن sit, stand
توفیقی	حالتی	حالتی	Remain باقی ماندن
توفیقی	حالتی	حالتی/توفیقی	Remember به یاد آوردن
توفیقی	فعالیتی	فعالیتی	Ride راندن
فعالیتی	حالتی	حالتی	See دیدن
حالتی/توفیقی	حالتی/توفیقی	توفیقی	Understand فهمیدن

بیان مساله

در این پژوهش، تلاش شد تا با بکارگیری دو رویکرد طبقه‌بندی نمود معنایی سرشتی فعل ها، به بررسی وجود تفاوت قابل توجه در نتیجه های به دست آمده برای سنجش اعتبار پیش بینی های انگاره نمود سرشتی پرداخته شود. یکی از این دو روش دنباله روی از انگاره پیش‌نمون، و استفاده از آزمون‌های عملیاتی (شیرای ۱۹۹۱، رویسون ۱۹۹۵)؛ و دیگری پیروی از انگاره جابجایی معنایی نمودی، و استفاده از معادل ترجمانی زبان اول زبان آموز است.

برتری شناسه‌گذاری نوع اول آن است که جهانشمولی معنایی انگاشته برای معنای پیش‌نمونی، به یک نظام سراسر شناسه‌گذاری منتهی می‌شود. در این روش، به عنوان مثال، همه نمونه‌های فعل انگلیسی X بنابر معنای پیش‌نمونی انگاشته، با نمود سرشتی Y شناسایی می‌شوند، با این استدلال که Y نخستین معنایی است که به ذهن گویش‌ور بومی انگلیسی متبادر می‌شود. بدین ترتیب همه نمونه‌های فعل X - بدون در نظر گرفتن پیوسته‌های آن‌ها - با شناسه Y مشخص می‌شوند. این روش به رویه‌ای یکسان و عینی از شناسه‌گذاری داده‌ها می‌انجامد. با وجود این ما معتقدیم که این روش به برداشتی مصنوعی و غیرواقعی معنای سرشتی فعل‌ها در داده‌های زبان میانی آموزندگان زبان دوم منتهی خواهد شد.

یک بررسی اجمالی در پژوهشهای نمود سرشتی که در آن‌ها از روش متداول شناسه‌گذاری با توسل به آزمونه‌های پیش‌نمونی استفاده شده بود، آشکار کرد که تفاوت‌های قابل توجهی در چگونگی شناسه‌گذاری گزاره‌های فعلی در میان پژوهشگران گوناگون وجود دارد. (جدول ۳). این یافته، آن قدرها هم غیرقابل پیش‌بینی نبود، به همان گونه که سالابری و شیرای (۲۰۰۲: ۲)، پیش‌تر گفته بودند که «از آنجا که طبقه‌بندی فعل‌ها بنابر معیارهای نمودی واژگانی سرشتی به منظومه فعل وابسته است (یعنی وابسته‌های درونی و وابسته‌های برونی و ضمامم فعلی)، بنابراین لزوماً نمی‌توان هر نوع فعلی را به یک مقوله مشخص از نمود واژگانی تخصیص داد». از آنجاکه فعل‌های بررسی شده، از پژوهشهای گوناگونی برگرفته شده‌اند و ما به بافتار متن آن‌ها دسترسی نداریم، تفاوت‌هایی که در طبقه‌بندی‌ها دیده می‌شود ممکن است ناشی از منظومه متفاوت فعل‌ها باشد. اما همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، در بررسی پژوهش‌های پیشین بر روی انگاره نمود سرشتی، تفاوت‌های زیادی میان شناسه‌گذاری فعل‌های مشابه (با پیوسته‌های یکسان پیدا شد (جدول ۴). این مشاهده بر ما آشکار کرد که ثبات و عینیت انگاشته شده در آزمون‌های عملیاتی، افسانه‌ای بیش نیست! چگونگی تفسیر هریک از شناسه‌گذارها از نمود سرشتی فعل، تابع عوامل گوناگونی است که در میان آن‌ها معنا و الگوی کاربردی نزدیک‌ترین معادل آن فعل در زبان اول شخص شناسه‌گذار، از همه مهم‌تر است.

جدول شماره (۴) چند نمونه از مغایرت در شناسه‌گذاری پژوهشگران گوناگون با وجود بکارگیری آزمون‌های مشابه

۴	۳	۲	۱	شناسه‌گذاری فعل
توفیقی احمدی (۲۰۰۸)	توفیقی کالینز (۱۹۹۹)	توفیقی اندرسون (۲۰۰۲)	تکمیلی ویست (۲۰۰۲)	Break شکستن
تکمیلی احمدی (۲۰۰۸)	توفیقی اندرسن و شیرای (۱۹۹۵)	تکمیلی جباری (۱۹۹۸)	توفیقی کرستن (۲۰۰۷)	Come آمدن
	توفیقی احمدی (۲۰۰۸)	فعالیتی اندرسن و شیرای (۱۹۹۵)	توفیقی کرستن (۲۰۰۷)	Come out بیرون آمدن
-	-	فعالیتی احمدی (۲۰۰۸)	حالتی کالینز (۱۹۹۹)	Enjoy لذت بردن
	توفیقی احمدی (۲۰۰۸)	تکمیلی کالینز (۲۰۰۲)	توفیقی کرستن (۲۰۰۷)	Give دادن
تکمیلی احمدی (۲۰۰۸)	فعالیتی اندرسن و شیرای (۱۹۹۵)	تکمیلی جباری (۱۹۹۸)	فعالیتی کرستن (۲۰۰۷)	Go رفتن
تکمیلی کالینز (۲۰۰۲)	توفیقی اندرسن و شیرای (۱۹۹۵)	تکمیلی هاوزن (۲۰۰۲)	تکمیلی کرستن (۲۰۰۷)	Go to رفتن به
-	-	توفیقی احمدی (۲۰۰۸)	فعالیتی اندرسن و شیرای (۱۹۹۵)	Hide پنهان کردن
-	توفیقی احمدی (۲۰۰۸)	فعالیتی ویست (۲۰۰۲)	فعالیتی کرستن (۲۰۰۷)	Jump پریدن
فعالیتی احمدی (۲۰۰۸)	فعالیتی کالینز (۲۰۰۲)	حالتی هاوزن (۱۹۹۴)	فعالیتی کرستن (۲۰۰۷)	Live زندگی کردن
-	-	توفیقی احمدی (۲۰۰۸)	تکمیلی کالینز (۲۰۰۲)	Marry ازدواج کردن
-	-	فعالیتی احمدی (۲۰۰۸)	تکمیلی کالینز (۲۰۰۲)	Move تکان دادن
-	تکمیلی/توفیقی احمدی (۲۰۰۸)	فعالیتی جباری (۱۹۹۸)	فعالیتی کرستن (۲۰۰۷)	Show نشان دادن
-	حالتی احمدی (۲۰۰۸)	فعالیتی اندرسن و شیرای (۱۹۹۵)	فعالیتی کرستن (۲۰۰۷)	Sit نشستن
-	-	توفیقی احمدی (۲۰۰۸)	فعالیتی اندرسن و شیرای (۱۹۹۵)	Sit down بر زمین نشستن
-	حالتی احمدی (۲۰۰۸)	فعالیتی اندرسن و شیرای (۱۹۹۵)	فعالیتی ویست (۲۰۰۲)	Sleep خوابیدن
-	حالتی احمدی (۲۰۰۸)	فعالیتی کالینز (۲۰۰۲)	فعالیتی کرستن (۲۰۰۷)	Stay ماندن
توفیقی احمدی (۲۰۰۸)	فعالیتی کالینز (۱۹۹۹)	توفیقی اندرسن و شیرای (۱۹۹۵)	توفیقی جباری (۱۹۹۸)	Tell گفتن
حالتی/فعالیتی احمدی (۲۰۰۸)	حالتی کالینز (۲۰۰۲)	فعالیتی اندرسن و شیرای (۱۹۹۵)	توفیقی کرستن (۲۰۰۷)	Think فکر کردن
-	-	حالتی احمدی (۲۰۰۸)	فعالیتی کالینز (۱۹۹۹)	Worry نگران بودن

با توجه به تفاوت‌های موجود در شیوه تقسیم بندی نمود سرشتی فعل‌ها توسط پژوهشگران گوناگون که در بالا به آن پرداخته شد و به منظور بررسی این که آیا به کار بستن روش‌های گوناگون شناسه‌گذاری در مورد انگاره نمود سرشتی به نتیجه‌های متفاوت منتهی می‌شود یا نه پژوهش پیش رو شکل گرفت.

سوالات پژوهش

این مطالعه به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر تنظیم شده است:

۱. آیا به کارگیری هریک از این دو رویکرد شناسه‌گذاری فعل‌ها - یعنی (الف) هنگامی که داده‌های زبان میانی انگلیسی در زبان‌آموزان، بر مبنای آزمون‌های عملیاتی‌ای شناسه‌گذاری می‌شود که معنای پیش‌نمونی فعل‌ها را ملاک قرار می‌دهند، یا (ب) وقتی که این داده‌ها بر مبنای نمود سرشتی فعل در زبان اول شناسه‌گذاری می‌شود (انگاره جابجایی معنایی نمودی) - منجر به تایید تاثیر متغیر نمود سرشتی فعل‌های در رویکرد بکارگیری تکواژه‌های فعلی می‌گردد؟
۲. آیا هر دو روش شناسه‌گذاری، پیش‌بینی‌های انگاره نمود سرشتی در مورد نمود سرشتی غالب، که با هریک از تکواژه‌های فعل (گذشته باقاعده و بی‌قاعده، استمراری) مربوط است را، تایید می‌کند؟
۳. آیا هر دو روش شناسه‌گذاری پیش‌بینی‌های انگاره نمود سرشتی، ناظر بر گسترش هریک از تکواژه‌های منتخب در گروه‌های گوناگون نمود سرشتی را تایید میکنند؟

شرکت‌کنندگان مورد پژوهش

شرکت‌کنندگان در این مطالعه بین‌بخشی را ۱۱۰ نفر از دانشجویان سال سوم (۸۵٪ دختر و ۱۵٪ پسر) تشکیل دادند که در دانشکده زبان‌های خارجی یکی از دانشگاه‌های نهران تحصیل می‌کردند. این دانشجویان، انگلیسی را از مدرسان ایرانی غیر گویش‌ور بومی زبان انگلیسی در ایران آموخته بودند و ربان اولشان فارسی بود. به علاوه، این دانشجویان با توجه به مهارت زبانی استفاده صحیح فعل‌های در زبان دوم و همچنین غنای واژگانی^۱ به چهار گروه مهارتی از A (ضعیف‌ترین) تا D (قوی‌ترین) تقسیم شدند. این تقسیم بندی پس از شمارش انواع و تعداد

فعل‌های بکار رفته همچنین شمارش اشتباهات فعلی در دو نوع روایت نوشتاری و گفتاری فیلم با استفاده از نرم افزار کلن^۱ و سپس استفاده از فرمول پیشنهادی ولف کویترو و همکاران^۲ (۱۹۹۸) صورت گرفت (برای جریبات بیشتر رجوع شود به احمدی ۲۰۰۸).

ابزار و روش مطالعه

داده‌های برگرفته در این مطالعه، نوشتار روایت گفتاری^۳ و نوشتاری^۴ زبان آموزان از یک بخش ۱۰ دقیقه‌ای از فیلم بدون کلام "عصر جدید" چارلی چاپلین است. روایتهای گفتاری و نوشتاری یک شرکت کنندگان در مطالعه ساختار CHAT تایپ شد تا برای نرم افزار کلن قابل بررسی باشد. پیکره این مطالعه دربرگیرنده بیش از ۱۳۰۰۰ فعل است، که با استفاده از دو روش شناسه‌گذاری دو بار شناسه‌گذاری شده‌اند. تعداد افعال تولید شده در هر یک از رویکردهای گرد اوری داده (نوشتاری و گفتاری) توسط شرکت کنندگان در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول شماره (۵) تعداد فعل‌های تولید شده در هر یک از روایتهای نوشتاری و گفتاری

سطح	تعداد زبان‌آموزان	تعداد کل فعل‌های در گفتار	میانگین تعداد فعل‌های هر فرد در گفتار	تعداد کل فعل‌ها در نوشتار	میانگین تعداد فعل‌های هر فرد در نوشتار
A	26	944	36.3	933	35.9
B	28	1580	56.4	1230	43.9
C	28	2081	74.3	1602	57.2
D	28	3226	115.2	1866	66.6
کل	110	7831	-----	5631	-----

1. CLAN Software (Mac Whinney, 2000)
2. WT/SQRT2W: the number of word types divided by the square root of two times the total number of word tokens
3. OFR: Oral film retell
4. WFR: written film retell

در بار نخست، شناسه‌گذاری نمود سرشتی فعل‌ها بنابر انگاره جایجایی معنایی سامان یافته است، با این گمانه پایه که زبان‌آموزان بار معنایی واژگان (فعل‌ها) را به همان گونه که در زبان اول آن‌هاست، به آن واژگان در زبان دوم تحمیل می‌کنند، و همین راهنمای آنان در شیوه کاربست و یادگیری ساخت فعل در زبان دوم است. بنابراین گزاره‌های فعلی براساس تلقی معنایی آن‌ها در زبان فارسی (زبان اول زبان‌آموزان) شناسه‌گذاری شده است، چراکه گمانه بر این است که این معنا، همانا معنای موردنظر درست این واژگان در زبان میانی زبان‌آموزان است. در این گام، به همان گونه که پیش‌تر هم اشاره شد، به‌منظور اعتبارسنجی شناسه‌گذاری معنای موردنظر، از شرکت‌کنندگان در مطالعه خواسته شد که -بیشتر به فارسی- منظور خود را از برخی از گزاره‌های فعلی ویژه توضیح دهند (روشهای ترجمه دوزبانه، و خود-مقابله‌ای). باین‌حال بازهم ساختارهایی باقی ماند که شرکت‌کنندگان نتوانستند منظور خود را از آن‌ها به‌روشنی بیان کنند؛ این موارد از بررسی نهایی کنار گذاشته شد.

در مرحله دوم، با رویکرد شناسه‌گذاری بنابر معنای سرشتی درون-عطف، همان داده‌ها بر پایه انگاره پیش‌نمونی بررسی شد و شناسه‌گذاری با استفاده از آزمون‌های متداول شیرای (۱۹۹۱)، شیرای و کورونو (۱۹۹۸) و هاوزن (۲۰۰۰) انجام شد؛ یعنی با نادیده گرفتن زبان اول زبان‌آموزان و تأثیر آن. در این مرحله، پس از کاربست آزمون‌های عملیاتی، شماری از گزاره‌های فعلی، بنابر نمود سرشتی، شناسه‌های دیگری گرفتند. این فعل‌ها، و چگونگی شناسه‌گذاری آن‌ها در دوشیوه، در جدول شماره ۶ نشان داده شده است.

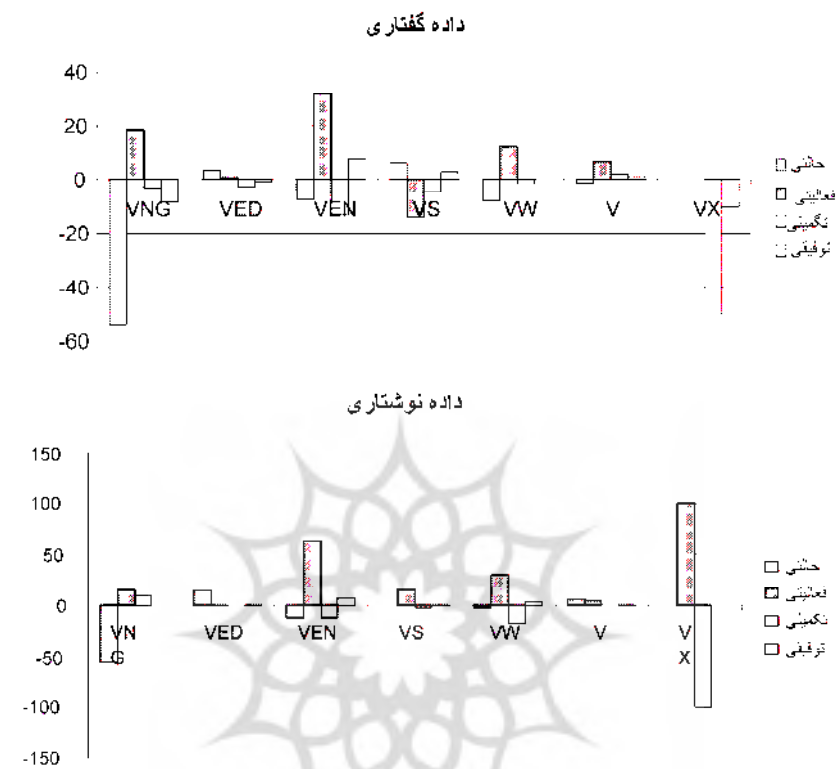
در گام بعدی، توزیع هرکدام از این صورت‌ها در هر گروه و در هر طبقه از نمود سرشتی مرسوم وندلرین (حالتی، فعالیتی، تکمیلی، و توفیقی)، بنابر داده‌های گفتاری (OFR) و نوشتاری (WFR) جداگانه مورد ارزیابی قرار گرفت.

جدول شماره (۶) فعل‌ها با طبقه‌های نمودی گوناگون در دو مرحله شناسه‌گذاری

شماره	بن‌واژ فعل	شناسه‌گذاری ۱ (مبتنی بر معنای زبان اول)	شناسه‌گذاری ۲ (مبتنی بر آزمون‌های عملیاتی)
1	Pretend (وانمود کردن)	فعالیتی	حالتی
2	Show (نشان دادن)	توفیقی	فعالیتی
3	come (آمدن)	تکمیلی	توفیقی
4	go (رفتن)	تکمیلی	توفیقی
5	Agree (موافقت کردن)	توفیقی	حالتی
6	Wish (آرزو کردن)	توفیقی	حالتی
7	remember (به یاد داشتن)	توفیقی	حالتی
8	Hang (آویختن)	حالتی	فعالیتی
9	Sit (نشستن)	حالتی	فعالیتی
10	Stand (ایستادن)	حالتی	فعالیتی
11	Sleep (خوابیدن)	حالتی	فعالیتی
12	Lie (دروغ گفتن)	حالتی	فعالیتی
13	Take (گرفتن)	تکمیلی	فعالیتی
14	Wait (منتظر بودن)	حالتی	فعالیتی

بررسی داده‌ها

روش دوم شناسه‌گذاری به دگرگونیهای قابل اشاره در چگونگی توزیع ساخت فعلی در طبقه‌های گوناگون نمود سرشستی منتهی شد. هم در روایت گفتاری و هم نوشتاری، طبقه‌بندی فعل‌ها براساس آزمون‌های عملیاتی به کاهش شمار فعل‌های حالتی و تکمیلی، و افزایش شمار فعل‌های فعالیتی و توفیقی در نمونه‌های شمرده‌شده در شناسه‌گذاری دوم منتهی شد. در بعضی از تکواژها، یعنی VING و VEN آشکارا درصد قابل توجهی تغییر دیده می‌شود. برای مثال بیش از ۵۰٪ کاهش در فعل‌های حالتی استمراری و بیش از ۳۰٪ افزایش در فعل‌های فعالیتی گذشته بی‌قاعده در روایت گفتاری دیده شد (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱- درصد تغییر در دو رویکرد شناسه گذاری

نخستین گام پس از شناسه گذاری داده‌ها حصول اطمینان از توزیع نرمال فعل‌های گوناگون در روند اول و دوم شناسه‌گذاری است. بدین منظور آزمون یک-نمونه‌ای کلوموگورف-اسمیرنوف برای هر یک از تکواژهای فعلی با هر یک از گروههای نمود سرشتی در هر گروه استفاده شد.^۱ از آنجاکه این بررسی مؤید توزیع نرمال داده نبود، آزمون کروسکال-والیس به کار برده شد تا مشخص شود آیا تفاوت میان میانگینها از لحاظ اماری معنی دار است یا خیر. نتیجه‌های حاصل از مقایسه رویکرد پراکندگی هر یک از تکواژه‌ها با هر یک از گروههای فعلی (حالتی، فعالیتی، تکمیلی و توفیقی) نشان داد که علی‌رغم تغییر در شمار نمونه‌های شمرده‌شده، تفاوت میان شمار استفاده از تکواژه‌های استمراری و گذشته با قاعده و بی قاعده

۱. این آزمون ۴۸ بار برای ۳ تکواژ فعلی و ۴ نوع فعل و ۴ سطح آموزشی در هر مرحله شناسه‌گذاری و برای هر دو نوع داده جمع‌آوری شده گفتاری و نوشتاری تکرار شد. رجوع شود به احمدی ۲۰۰۸.

با گروه فعلی در هر دو روش شناسه‌گذاری معنی دار است^۱. برای مثال تعداد موارد استفاده تکواژ استمراری با هر یک از فعل‌های حالتی، فعالیتی، تکمیلی و توفیقی در روایت گفتاری مقایسه شد و مشخص گردید تفاوتها از لحاظ آماری معنی دارند (جدول ۶). به عبارت دیگر متغیر نمود سرشتی فعل‌های در رویکرد استفاده از تکواژه‌های فعلی توسط زبان‌آموران در هر دو رویکرد شناسه‌گذاری تاثیر گذار ارزیابی شد.

جدول (۷) مقایسه نتیجه‌های کسب شده از آزمون کروسکال-والیس در دو شیوه شناسه‌گذاری

شناسه‌گذاری ۱						شناسه‌گذاری ۲					
گروه	نوع فعل	OFR		WFR		گروه	نوع فعل	OFR		WFR	
		Sig	Result	Sig	Result			Sig	Result	Sig	Result
A	VNG	.014	SIG	.003	SIG	A	VNG	.000	SIG	.003	SIG
	VED	.000	SIG	.000	SIG		VED	.000	SIG	.000	SIG
	VEN	.000	SIG	.000	SIG		VEN	.000	SIG	.000	SIG
	VS	.246	NON SIG	.828	NON SIG		VS	.281	NON SIG	.477	NON SIG
	VX	.249	NON SIG	.392	NON SIG		VX	1.00	NON SIG	1.00	NON SIG
B	VNG	.000	SIG	.000	SIG	B	VNG	.000	SIG	.000	SIG
	VED	.000	SIG	.000	SIG		VED	.000	SIG	.000	SIG
	VEN	.000	SIG	.000	SIG		VEN	.000	SIG	.000	SIG
	VS	.009	SIG	.283	NON SIG		VS	.009	SIG	.574	NON SIG
	VX	.292	NON SIG	.392	NON SIG		VX	1.00	NON SIG	1.00	NON SIG
C	VNG	.000	SIG	.000	SIG	C	VNG	.000	SIG	.000	SIG
	VED	.000	SIG	.000	SIG		VED	.000	SIG	.000	SIG
	VEN	.000	SIG	.000	SIG		VEN	.000	SIG	.000	SIG
	VS	.012	SIG	.201	NON SIG		VS	.012	SIG	.375	NON SIG
	VX	.289	NON SIG	.109	NON SIG		VX	1.00	NON SIG	1.00	NON SIG
D	VNG	.000	SIG	.000	SIG	D	VNG	.000	SIG	.000	SIG
	VED	.000	SIG	.000	SIG		VED	.000	SIG	.000	SIG
	VEN	.000	SIG	.000	SIG		VEN	.000	SIG	.000	SIG
	VS	.640	NON SIG	.041	SIG		VS	.358	NON SIG	.049	SIG
	VX	.561	NON SIG	.569	NON SIG		VX	1.00	NON SIG	1.00	NON SIG

۱. بررسی شیوه پراکندگی تکواژ سوم شخص مفرد در مقاله دیگری ارایه خواهد شد.

در گام دوم، برای همه تکواژهای فعلی که در آزمون کروسکال-ویلاس تفاوت قابل توجه در توزیع نشان دادند، آزمون آنووا توکی به کار رفت^۱. برخلاف انتظار، با وجود آن که به نظر می‌آمد تفاوت قابل توجهی در شمار نمونه‌ها از هر دسته، و همین‌طور در شمار دسته‌های گوناگون نمودی در دو شناسه‌گذاری وجود دارد (به‌ویژه VING و VEN)، الگوی عمومی ارتباط ساخت‌های گوناگون فعل - با دسته‌های گوناگون نمود سرشتی - یکسان باقی ماند (جدول شماره 7). به‌عبارت‌دیگر، در طی هر دو فرایند شناسه‌گذاری، نشانه استمرار (-ing) بیش از همه با فعل‌های فعالیتی؛ و تکواژهای گذشته (-en و -ed) با فعل‌های توفیقی استفاده شده‌اند که این دقیقاً با با پیش‌بینی‌های انگاره نمودی مطابقت دارد.

از آنجا که بررسی آماری توکی تفاوت قابل توجهی در دوروند شناسه‌گذاری نشان نمی‌دهد، درصد فراوانی هر تکواژ فعل در هر طبقه نمودی سرشتی نسبت به مجموع آن طبقه نمودی، به‌عنوان شاخصی برای مقایسه الگوی توزیع تکواژهای فعل در دو مرحله شناسه‌گذاری استفاده شد. همان‌طور که در جدول شماره 5 دیده می‌شود درحالی‌که الگوی توزیع در دو مرحله شناسه‌گذاری یکسان است، مقایسه درصد فراوانی نشان می‌دهد، روش دوم شناسه‌گذاری نتیجه‌هایی را نشان می‌دهد که با پیش‌بینی انگاره نمود سرشتی همخوانی بیشتری دارد، به‌ویژه در مورد فعل‌های حالتی و فعالیتی و چگونگی استفاده از تکواژهای فعلی با آن‌ها. در واقع این درصد‌ها نسبت بین شمار استفاده از یک تک‌واژه یا یک نوع فعل را به شمار کل موارد استفاده شده از آن نوع فعل نشان می‌دهد (مثلاً تعداد فعل‌های حالتی استمراری به‌کل فعل‌های حالت استفاده شده). همان‌گونه که در جدول 8 مشخص است در در واقع تفاوت اصلی این دو مرحله شناسه‌گذاری در استفاده از نشانه استمراری (VING) است.

واضح است که کاربست آزمون‌های عملیاتی در داده‌های استخراج شده از زبان آموزان فارسی‌زبان زبان انگلیسی نشان از درصد فراوانی کمتر فعل‌های حالتی استمراری، و درصد بالاتر فعل‌های فعالیتی استمراری در دارد که این هر دو با پیش‌بینی‌های انگاره نمود سرشتی همخوانی دارد. جالب است که تنها استثنا بر این روش عمومی در میان روایت مکتوب یادگیرندگانی است که پایین‌ترین میزان مهارت انگلیسی را داشتند. در این گروه درصد فراوانی فعل‌های حالتی استمراری و فعالیتی در هر دو مرحله شناسه‌گذاری روایت مکتوب، دقیقاً یکسان است. ممکن است در این مورد طبیعت و محتوای جابجایی معنایی-نمودی بنابر سطح مهارت و کارکرد زبان مورد استفاده تفاوت پیدا کند. این موارد نیاز به پژوهشی بیشتر دارد.

۱. برای مشاهده نتایج آماری مراجعه شود به احمدی ۲۰۰۸.

جدول شماره (۸) مقایسه درصد استفاده از تکواژ فعلی در دو روش شناسه‌گذاری در روایت‌های نوشتاری و گفتاری (WFR و OFR)

WFR		OFR		نوع	Verb	گروه
شناسه‌گذاری		شناسه‌گذاری				
دوم	اول	دوم	اول			
6.06	6.06	0	9.38	حالتی	VNG	A
63.64	63.64	76.47	59.38	فعالیتی		
3.03	3.03	8.82	12.5	تکمیلی		
27.27	27.27	14.71	18.75	توفیقی		
6.12	5.44	10.64	10.64	حالتی	VED	
17.69	17.69	15.96	15.96	فعالیتی		
3.4	3.4	2.13	2.13	تکمیلی		
72.79	73.47	71.28	71.28	توفیقی		
22.53	23.97	14.83	15.87	حالتی	VEN	
4.44	2.4	1.44	1.44	فعالیتی		
20.14	22.26	17.7	22.6	تکمیلی		
52.9	51.37	66.03	60.1	توفیقی		
1.56	10.34	9.47	13.54	حالتی	VNG	B
81.25	70.69	67.37	61.46	فعالیتی		
7.81	8.62	13.68	15.63	تکمیلی		
9.38	10.34	9.47	9.38	توفیقی		
12	11.56	14.41	13.54	حالتی	VED	
14.22	14.22	7.86	7.86	فعالیتی		
5.78	5.78	5.68	5.68	تکمیلی		
68	68.44	72.05	72.93	توفیقی		
18.37	20.7	19.18	20.12	حالتی	VEN	
6.74	4.19	3.27	3.29	فعالیتی		
28.37	30	23.27	25.26	تکمیلی		
46.51	45.12	54.29	51.33	توفیقی		

نگاهی نو به ساخت نمود و زمان فعل در زبان دوم: انگاره جابجایی معنایی نمودی ۱۷۳

WFR		OFR		نوع	Verb	گروه
شناسه گذاری		شناسه گذاری				
دوم	اول	دوم	اول			
5.41	14.29	7.32	13.82	حالتی	VNG	C
73.87	63.81	64.23	57.72	فعالیتی		
6.31	6.67	12.2	12.2	تکمیلی		
14.41	15.24	16.26	16.26	توفیقی		
12.6	11.33	14.41	13.98	حالتی	VED	
11.42	11.33	11.44	11.44	فعالیتی		
2.76	2.73	1.69	2.12	تکمیلی		
73.23	74.61	72.46	72.46	توفیقی		
16.26	18.46	18.85	20.79	حالتی	VEN	
6.05	4.71	4.26	2.95	فعالیتی		
20.6	25.42	24.1	25.7	تکمیلی		
57.09	51.41	52.79	50.57	توفیقی		
7.83	13.16	7.42	14.22	حالتی	VNG	D
58.26	55.26	62.45	53.33	فعالیتی		
16.52	14.04	15.28	15.11	تکمیلی		
17.39	17.54	14.85	17.33	توفیقی		
9.3	8.26	17.04	17.28	حالتی	VED	
17.18	16.52	13.33	12.35	فعالیتی		
3.1	3.13	4.44	4.44	تکمیلی		
70.42	72.08	65.19	65.93	توفیقی		
16.36	20.96	15.91	17.61	حالتی	VEN	
9.41	4.5	4.44	2.83	فعالیتی		
24.85	28.42	21.82	26.85	تکمیلی		
49.38	46.12	57.83	52.71	توفیقی		

گرچه بررسی داده نشان داد که نوع شناسه گذاری فعل های تأثیری در اعتبار سنجی پیش گویی اولیه انگاره نمودی فعل های مبنی بر این که فعل های فعلیتی بیشتر تکواژ استمرار و فعل های توفیقی بیشتر تکواژه های گذشته را به خود جلب می کنند ندارد، اما الگوی توزیع ساخت فعل در دو روش شناسه گذاری برای تکواژه استمراری نشان از تفاوت در دو رویکرد شناسه گذاری دارد. همانگونه که در جدول شماره (۹) دیده می شود، مرحله دوم شناسه گذاری در هر چهار سطح برای تکواژ استمراری در داده های گفتاری و نوشتاری الگوی همگنی را (به استثنا روایت نوشتاری ضعیف ترین سطح) نشان می دهد. به عیارت بهتر، فعلهای فعلیتی استمراری همواره بیشترین، و فعلهای حالتی استمراری همواره کمترین مورد استفاده شده بو دند. این در حالی است که این الگو با الگوی استخراج شده در شناسه گذاری نخست یکی نیست. در واقع شناسه گذاری افعال بنابر معنای سرشتی آنها در زبان اول (فارسی) به استخراج الگوی همگنی در گروه های گوناگون منجر نمی شود. به عبارت بهتر همانگونه که در جدول ۹ نشان داده شده است، گرچه در شناسه گذاری اول هم، این فعل فعلیتی است که بیشتر با تکواژ استمراری استفاده شده ولی الگوی استفاده این تکواژ با دیگر انواع فعلی، از الگوی همگنی پیروی نمی کند. در بعضی گروه ها تعداد فعلهای حالتی استمراری و در برخی دیگر توفیقی ها و یاتکمیلی های استمراری در شمار کم بسامدترین ها هستند.

جدول شماره (۹) - مقایسه الگوی پراکندگی مشاهده شده در دو روش شناسه گذاری با توجه به یافته‌های تست توکی

شناسه‌گذاری ۲ (مبتنی بر آزمون‌های عملیاتی)		شناسه‌گذاری ۱ (مبتنی بر معنای زبان اول)		نوع داده‌ها	نوع فعل
سطح	الگوی پراکندگی مشاهده شده	سطح	الگوی پراکندگی مشاهده شده		
A	ACT > ACH, ACC, STA	A	{ACT, ACH, ACC} > STA or ACT > {ACH, ACC, STA}	OFR	VNG
B	ACT > ACC, ACH, STA	B	ACT > ACC, STA, ACH		
C	ACT > ACH, ACC, STA	C	ACT > ACH, STA, ACC		
D	ACT > ACC=ACH, STA	D	ACT > ACH, ACC, STA		
A	{ACT, ACH} > {STA, ACC} or ACT > ACH, STA, ACC	A	{ACT, ACH} > {STA, ACC}	WFR	
B	ACT > ACH, ACC, STA	B	ACT > ACH, STA, ACC		
C	ACT > ACH, ACC, STA	C	ACT > ACH, ACC, STA		
D	ACT > ACH, ACC, STA	D	ACT > ACH, ACC, STA		
A	ACH > ACC, STA, ACT	A	ACH > ACC, STA, ACT	OFR	VEN
B	ACH > ACC, STA > ACT	B	ACH > ACC, STA > ACT		
C	ACH > ACC, STA > ACT	C	ACH > ACC, STA > ACT		
D	ACH > ACC, STA > ACT	D	ACH > ACC, STA > ACT		
A	ACH > STA, ACC > ACT	A	ACH > STA, ACC > ACT	WFR	
B	ACH > ACC, STA > ACT	B	ACH > ACC, STA > ACT		
C	ACH > ACC, STA > ACT or ACH > ACC > STA, ACT	C	ACH > ACC, STA > ACT		
D	ACH > ACC, STA > ACT or ACH > ACC > STA, ACT	D	ACH > ACC, STA > ACT		
A	ACH > ACT, STA, ACC	A	ACH > ACT, STA, ACC	OFR	VED
B	ACH > STA, ACT, ACC	B	ACH > STA, ACT, ACC		
C	ACH > STA > ACT, ACC	C	ACH > STA, ACT, ACC		
D	ACH > STA, ACT, ACC	D	ACH > STA, ACT, ACC		
A	ACH > ACT, STA, ACC	A	ACH > ACT, STA, ACC	WFR	
B	ACH > ACT, STA, ACC	B	ACH > ACT, STA, ACC		
C	ACH > STA, ACT, ACC	C	ACH > ACT, STA, ACC		
D	ACH > ACT, STA, ACC	D	ACH > ACT, STA, ACC		

آنچه در اینجا باید بدان بپردازیم این است که هیچ یک از این روش‌های شناسه‌گذاری به مدل توزیع تکواژهای فعلی زمان گذشته (VED و VEN) به همان گونه که انگاره نمود سرشتی پیش‌بینی می‌کند منتهی نشد. پیش‌بینی این انگاره در خصوص تکواژهای گذشته این است که این تکواژهای فعلی بیشتر از همه جذب فعل‌های توفیقی و سپس به ترتیب جذب فعل‌های تکمیلی فعالیتی و حالتی می‌شوند. در حالیکه همان‌طور که در جدول شماره (۸) پیداست، در هر دو شکل شناسه‌گذاری و هر دو روایت گفتاری و نوشتاری، تکواژ زمان گذشته فعل باقاعده بیش از همه به توفیقی و کمتر از همه به تکمیلی گرایش دارد. همچنین تکواژ فعل زمان گذشته بی‌قاعده، بیشترین گرایش را به سوی توفیقی، و کمترین گرایش را به سوی فعالیتی نشان می‌دهد. به عبارت دیگر داده گرد اوری شده از زبان آموزان فارسی زبان انگلیسی الگوی گسترش تکواژهای گذشته انگاره نمود سرشتی را تایید نمی‌کند و این مهم با یافته‌های تعدادی از پژوهشگران پیشین همچون بردوی هارلیگ ۱۹۹۸ همخوانی دارد. به لحاظ وجود تنوع گسترده در پژوهش‌های پیشین بر روی اعتبار انگاره نمودی که شامل تنوع زبان آموزان (کودکان و بزرگسالان) و رویکرد گردآوری داده (مصاحبه-روایت گفتاری و نوشتاری فیلم، روایت گفتاری و نوشتاری تصویر، آزمونهای نوشتاری پر کردن جای خالی و ...) نتیجه‌های گوناگونی گزارش شده‌اند. نقطه مشترک این پژوهش‌ها در تایید تاثیر نمود سرشتی بر روی استفاده از شناسه فعلی است، اما در خصوص الگوی پیش‌بینی شده گزارشات بسیار متنوع‌اند. ذکر پژوهش بردوی هارلیگ (۱۹۹۸) به آن جهت اهمیت دارد که نوع داده بررسی شده همچون داده‌ی این مطالعه روایت گفتاری و نوشتاری از یک قسمت از فیلم توسط زبان آموزان بوده است و زبان آموزان بزرگسال همچون این مطالعه بررسی شدند. بردوی هارلیگ نیز اینگونه گزارش داده است که مدل گسترش شناسه‌های فعلی پیش‌بینی شده توسط انگاره نمودی را مشاهده نکرده است. گرچه در این مطالعه این مدل در مورد تکواژ استمراری مصداق دارد.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در مرحله دوم شناسه‌گذاری تنها چهارده نوع گزاره فعلی به شکل گوناگونی شناسه‌گذاری شدند. موضوعی که به نظر می‌رسد شایسته کاوش باشد این است که ببینیم آیا استفاده از یک روش دقیق‌تر برای استخراج داده (در مقایسه با روش تولید آزاد که در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است) که منحصراً بر فعل‌های ویژه، با معناهای نمودی گوناگون در زبان فارسی و انگلیسی متمرکز باشد به نتیجه‌هایی منطبق با پیش‌بینی انگاره نمود سرشتی منتهی می‌شود یا خیر.

نتیجه گیری

اکثر قریب به اتفاق پژوهش‌های انجام یافته بر روی انگاره نمود سرشتی فعل‌ها و تاثیر آن بر روی فراگیری فعل‌های در زبان‌های گوناگون با تکیه بر معنای پیش‌نمونی و استفاده از آزمون‌های عملیاتی (شیرای ۱۹۹۹، شیرای و کورونو ۱۹۹۸، رایسون، ۱۹۹۵) و با این پیش‌گمانه که، فعل‌ها نمود سرشتی یکسانی دارند انجام یافته است. در این پژوهش ما با بررسی مطالعات گوناگون، اطمینان یافتیم که در عمل چنین نبوده و در شناسه‌گذاری فعل‌ها توسط محققان گوناگون، با وجود استفاده از آزمون‌های یکسان، نا هم‌خوانی قابل توجه وجود دارد. در ادامه، انگاره جدیدی را تحت عنوان انگاره جابجایی معنایی نمودی مطرح نمودیم که بر تحمیل معنای نمودی واژگانی زبان اول زبان‌آموز بر بن‌واژ فعلی زبان دوم تاکید دارد. به عبارت دیگر گمانه ما بر این است که زبان‌آموز در هنگام استفاده از فعل‌های در زبان دوم، معنای نمود سرشتی فعل در زبان اول خود را در ذهن دارد که ممکن است با معنای پیش‌نمونی یکسان باشد یا نباشد. با این پیش‌گمانه بر آن شدیم که به مقایسه تاثیر دوشبوه شناسه‌گذاری بر روی یک سری داده جمع‌آوری شده از زبان‌آموزان فارسی زبان انگلیسی بپردازیم. اولین شناسه‌گذاری براساس انگاره جابجایی معنایی نمودی، و دومین بنابر آزمون‌های عملیاتی انجام یافت. مقایسه میان شمارگان فعل‌های در دو روند شناسه‌گذاری موییدان است که طبقه‌بندی فعل‌ها براساس آزمون‌های عملیاتی، به کاهش شمار فعل‌های حالتی و تکمیلی، و افزایش شمار فعل‌های فعالیتی و توفیقی می‌انجامد. با وجود این تفاوتها، پس از محاسبه درصد استفاده تکواژه‌های فعلی با هر یک از انواع فعلی، و پس از بررسی اماری داده‌ها، مشخص گردید با وجود آنکه دو روش تقسیم‌بندی و نشانه‌گذاری‌گرگونی‌هایی در شمارگان انواع فعلها و در نتیجه تعداد موارد استفاده تکواژه‌های فعلی با نمودهای سرشتی گوناگون ایجاد می‌کند، اما هر دو روش به تایید پیش‌بینی اولیه انگاره نمودی می‌انجامد. مشخص گردید که صرفنظر از نوع نگرش به نمود سرشتی فعل، چه همچون اکثریت پژوهشگران قبلی با پیش‌گمانه جهانشمولی نمود سرشتی فعل‌ها و چه با در نظر گرفتن جابجایی معنایی نمود سرشتی، متغیر نمود سرشتی در بکارگیری تکواژه‌های استمراری و گذشته تاثیر دارد. به علاوه همسو با پیش‌بینی انگاره نمودی در هر دو رویکردی شناسه‌گذاری و در هر چهار سطح دانش‌زبانی فعلهای فعالیتی تکواژ استمرار و فعلهای توفیقی تکواژ گذشته را به خود جلب می‌کنند.

اما الگوی گسترش کاربرد فعل‌ها به همان گونه که آن انگاره پیش بینی می‌کرد، در هیچ‌یک از دو روش شناسه‌گذاری برای تکواژهای با قاعده و بی قاعده گذشته دیده نشد. این در حالی است که الگوی گسترش تکواژ استمرار (VING) در شیوه دوم شناسه‌گذاری تأیید شد، اما اگر داده‌ها با در نظر گرفتن بار معنایی زبان اول واژگان فعلی شناسه‌گذاری شود آن‌هم نامتحقق است.

می‌توان نتیجه گرفت که چگونگی واژه‌گردانی گفتارهای نمود سرشتی مسئله‌ای ویژه-زبانی است. معنای این سخن آن است که پژوهشها در گستره انگاره نمود سرشتی می‌باید هنگام شناسه‌گذاری نمود سرشتی، به تأثیر بار معنایی زبان اول زبان‌آموز بر چگونگی کاربرد واژگان فعلی در زبان دوم توجه کنند (انگاره جابجایی معنای نمودی). مختصر آنکه، به نظر می‌رسد فارغ از تعداد نمونه‌ها در دو نوع روش شناسه‌گذاری (مبتنی بر معناشناسی زبان اول زبان‌آموزان، یا مبتنی بر آزمون‌های عملیاتی)، تفاوت معناداری در الگوی غالب توزیع ساخت فعلی در طبقه‌های نمودی گوناگون یافت نشد. اگرچه روش شناسه‌گذاری نشانگر تفاوت آشکاری در گرایش عمومی پیش‌بینی‌شده توسط انگاره نمود سرشتی نیست، با این حال نوع شناسه‌گذاری، بر الگوی گسترش تکواژه‌های فعلی موثر است. خبر خوب برای پژوهش‌هایی که تاکنون سامان یافته‌اند، این است که شیوه شناسه‌گذاری آن‌قدرها در نتیجه تفاوت ایجاد نمی‌کند (اگرچه سرانجام شناسه‌گذاری اول معتبرترین است).

سپاسگزاری: نگارندگان مراتب سپاس و امتنان خود را به آقای عبدالوحید بیات (abdolwahid@gmail.com) برای ترجمه مقاله از انگلیسی به فارسی ابراز می‌دانند.

منابع

- Ahmadi, N. (2008). *Instructed Second Language Learning of English Tense and Aspect by Persian Learners*. PhD dissertation, Faculty of letters and Humanities, Vrije Universiteit Brussel, Belgium.
- Andersen, R. W. (1986). *Interpreting data: Second language acquisition of verbal aspect*, unpublished manuscript, University of California, Los Angeles.
- Andersen, R. W. (1991). *Verbal virtuosity and speakers' purposes*. In H. Burmeister and P. L. Rounds (Eds.), *Variability in Second Language Acquisition*, pp. 1-24. Proceedings of the Tenth Annual Second Language Research Forum, University of Oregon. Department of Linguistics, University of Oregon, Eugene, Oregon.

- Andersen, R. W. (2002). *The Dimensions of Past Tense*. In Salaberry & Y. Shirai (Eds.), *Tense-Aspect Morphology in L2 Acquisition* (pp. 70-105), Amsterdam: John Benjamins.
- Andersen, R. & Shirai, Y. (1996). The primacy of aspect in first and second language acquisition: The pidgin-creole connection. In *Handbook of Second Language Acquisition*, W. Ritchie & T. Bhatia, 527-570. London, Academic Press.
- Ayoun, D., & Salaberry, M. R. (Eds.). (2005). *Tense and aspect in Romance languages: Theoretical and applied perspectives* (Vol. 29). John Benjamins Publishing.
- Bardovi-Harlig, Kathleen (1992). The Relationship of Form and Meaning: A Cross Sectional Study of Tense and Aspect in Inter-language of Learners of English as a Second Language, *Applied Psycholinguistics*, 13, 253-278.
- Bardovi-Harlig, K. (1999). From morpheme studies to temporal semantics: Tense-aspect research in SLA. The state of the art. *Studies in Second-Language Acquisition* 21, 3, 341-382.
- Bardovi-Harlig, K. (2000). *Tense and aspect in second language acquisition: Form, meaning and use*. Oxford: Blackwell.
- Bardovi-Harlig, K., and Bergstrom, A. (1996). The acquisition of tense and aspect in SLA and FLL: study of learner narratives in English (SL) and French (FL). *Canadian modern language review*, 52, 308-330.
- Bardovi-Harlig, K., & Reynolds, D. (1995). The role of lexical aspect in the acquisition of tense and aspect. *TESOL Quarterly*, 29, 107-31.
- Bickerton, D. (1981). Discussion of 'Two perspectives on pidginization as second language acquisition', in Andersen, R. (ed.), *New Dimensions in Second Language Acquisition*, Rowly, Mass.: Newbury House, 202-206.
- Bloom, L., Lifter, K. & Hafitz, J. (1980). Semantics of verbs and the development of verb inflection in child language, *Language*, 56, 386-412.
- Collins, L. (1999). *Marking time: The acquisition of tense and grammatical aspect by French-speaking learners of English*. Unpublished doctoral dissertation, Concordia University, Montréal. Québec, Canada.
- Collins, L. (2002). The roles of L1 Influence and lexical aspect in the acquisitions of temporal morphology. *Language Learning*, 52, 43-94.
- Dowty, David R. (1979). *Word Meaning and Montague Grammar*, D. Reidel: Holland.
- Hawkins, R., & Liszka, S. (2003). Locating the source of defective past tense marking in advanced L2 English speakers. In R. van Hout, A. Hulk, F. Kuiken, & R. Towell (Eds.), *The lexicon-syntax interface in second language acquisition* (pp. 21-44). Amsterdam: Benjamins.

- Housen, A. (1994). Tense and Aspect in Second Language Learning: the Dutch interlanguage of a native speaker of English, in Vet, C. & Veters, C. (eds.), *Tense and Aspect in Discourse*, N.Y./Berlin: Mouton-De Gruyter, 257-293.
- Housen, A. (2000). Verb semantics and the acquisition of tense - aspect in L2 English. *Studia Linguistica*, 54(2), 249-259.
- Housen, A. (2002). *The development of Tense-Aspect in English as a second language and the variable influence of inherent aspect*. In Y. Shirai & R. Salaberry (Eds.), *Description and Explanation in the Acquisition of Tense-Aspect*. London: John Benjamin.
- Jabbari, A.A. (1998). *Acquisition of Tense and Aspect by Persian Learners of English as a Second Language*. Unpublished PhD. Dissertation. University of Durham, U.K.
- Kenny, Anthony (1963). *Action, emotion and will*, Routledge and Kegan Paul, London.
- Kersten, K. (2007) *The Interaction of Lexical Aspect and Discourse in Learner Language*. Paper presented at EUROSLA 17, University of Newcastle.
- Labeau, E. (2005). Beyond the Aspect Hypothesis: Tense–aspect development in advanced L2 French. *EUROSLA yearbook*, 5(1), 77-101.
- Lakoff, George (1965). *On the nature of syntactic irregularities*, Ph.D. Dissertation, Indiana University published as "Irregularity in Syntax".
- McManus, K. 2013. Prototypical influence in second language acquisition: What now for the Aspect Hypothesis. *International Review of Applied Linguistics in Language Teaching*, 51, 3, 299–322.
- Mourelatos, Alexander P. D. (1981). *Events, Processes and States*, Tedeschi and Zaenen, 191-212.
- Odlin, Terence (2003). Cross-linguistic Influence. In *Handbook on Second Language Acquisition*, Eds. Catherine Doughty and Michael Long. Oxford: Blackwell, 436-486.
- Odlin, T. (2005). Crosslinguistic influence and conceptual transfer: What are the concepts?. *Annual review of applied linguistics*, 25, 3-25.
- Piacalone Ramat, A. (1995). Tense and aspect in learner Italian. *Temporal reference, aspect and actionality*, 2, 289-309.
- Rocca, S. (2002). *Lexical aspect in child second language acquisition of temporal morphology*. The L2 acquisition of tense-aspect morphology.
- Rohde, A. (1996). *The Aspect Hypothesis and Emergence of tense distinction in naturalistic L2 acquisition*. *Linguistics*, 34, 1115-1138.

- Robison, R. E. (1995). The Aspect Hypothesis Revisited: A Cross-Sectional Study of Tense and Aspect Marking in Interlanguage 1. *Applied linguistics*, 16(3), 344-370.
- Ryle, G. (1949). *The concept of mind*, Hutchinson & Company, London.
- Salaberry, M. R., & Comajoan, L. (Eds.). (2013). *Research design and methodology in studies on L2 tense and aspect* (Vol. 2). Walter de Gruyter.
- Salaberry, R. & Y. Shirai (Eds.), (2002), *Tense-Aspect Morphology in L2 Acquisition*, Amsterdam: John Benjamins
- Schachter, J. (1992). A new account of Language Transfer. In S. Gass & L. Selinker (eds.) *Language Transfer in Language Learning* (2nd Edition) Amsterdam: Benjamins.
- Shirai, Y. (1991). *Primacy of Aspect in Language Acquisition: Simplified Input and Prototype*, doctoral dissertation, Los Angeles: UCLA.
- Shirai, Y. (2004). *A multiple-factor account for the form-meaning connections in the acquisition of tense-aspect morphology*. In B. VanPatten, J. Williams, S. Rott, & M. Overstreet (Eds.), *Form-meaning connections in second language acquisition* (pp. 91-112). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Shirai, Y. & Andersen, R. (1995). The acquisition of tense-aspect morphology: A prototype account. *Language Learning*, 71, 743-762.
- Shirai, Y. & Kurono, A. (1998). The acquisition of tense-aspect marking in Japanese as a second language. *Language Learning*, 48, 245-279.
- Shirai, Y., & Y. Nishi. (2002). *Lexicalisation of Aspectual Structures in English and Japanese*. *Typology and Second Language Acquisition*, ed. A. Giacalone Ramat, 267-290. Berlin and New York: Mouton de Gruyter.
- Slobin, D. (1991). "Learning to think for speaking: Native language, cognition and rhetorical style". *Pragmatics* 1: 7-25.
- Slobin, D. (1997). *The Crosslinguistic Study of language Acquisition*. Vol 5: Expanding the Context, Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Tomasello, M. (1992). *First Verbs: A Case Study of Early Grammatical Development*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Vendler, Z. (1967). Verbs and Times, In: Z. Vendler, *Linguistics in philosophy*, Ithaca, NY: Cornell University Press, 97-121.
- Wolfe-Quintero, K., Inagaki, S., and Kim, H. Y. (1998). *Second Language Development in Writing: Majors of Fluency, Accuracy and Complexity*. Technical Report No. 17. Honolulu: University of Hawaii's, Second Language Teaching and Curriculum Centre.

Wulff, S., Ellis, N. C., Römer, U., Bardovi-harlig, K., & Leblanc, C. J. (2009). The acquisition of tense-aspect: Converging evidence from corpora and telicity ratings. *The Modern Language Journal*, 93(3), 354-369.

Zhao, Y., & MacWhinney, B. 2010. *Competing Cues: A Corpus-based Study of the English Tense-Aspect in Second Language Acquisition*. In Katie Franich, Kate M. Iserman, and Lauren L. Keil (eds.), *Proceedings of the 34th annual Boston University Conference on Language Development* (pp. 503- 514). Boston: Boston University Press.

